

«ایلیا» ضبط کرده^۴ و از زنده شدن یونس بن متی به دست او در پی چند روز از مرگش و نیز شفای الیسع با دعای وی و چگونگی ارتباطش با الیسع و جانشین قرار دادن وی سخن گفته است.^۵

قرآن کریم در دو آیه از الیاس نام برده و او را مؤمن، از بندگان صالح خدا، و پیامبری مرسل دانسته و از تلاش وی برای مبارزه با بت پرستی مردم زمانش و فراخواندن آنان به تقوا و یکتاپرستی و نیز تکذیب مردم سخن گفته است. (صافات/۳۷، ۱۲۳؛ انعام/۶، ۸۵-۸۶) برخی بر آنند که الیاسین در آیه ۱۳۰ صافات/۳۷ نیز همین الیاس است.^۶

منابع تفسیری^۷ و تاریخی^۸ الیاس را از نوادگان عمران، پدر موسی و هارون، دانسته و نسب او را با پنج واسطه، الیاس بن یاسین بن فنحاص بن العیزار بن هارون بن عمران آورده‌اند.^۹ بر پایه روایات، او خردمندی از نوادگان هارون^{۱۰} از دودمان ابراهیم است که

۴. قاموس کتاب مقدس، ص ۱۴۴-۱۴۵.
 ۵. الکامل، ج ۱، ص ۲۱۳؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۱۰۲، ۱۱۲؛ قاموس کتاب مقدس، ص ۱۴۵.
 ۶. تفسیر بیضاوی، ج ۵، ص ۱۸؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۸۶.
 ۷. جامع البیان، ج ۲۳، ص ۱۰۹؛ روح المعانی، ج ۲۳، ص ۱۳۸.
 ۸. الکامل، ج ۱، ص ۲۱۲؛ البداية و النهایه، ج ۲، ص ۵؛ سبل الهدی، ج ۶، ص ۳۱۸.
 ۹. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۴۶۱؛ الکامل، ج ۱، ص ۲۱۲؛ البداية و النهایه، ج ۲، ص ۵.
 ۱۰. الکافی، ج ۱، ص ۲۲۷.

ابوظلی، دار السویدی، ۲۰۰۵م؛ کاروان نور: تهران، نشریه داخلی سازمان حج و زیارت؛ مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی - اجتماعی شمال آفریقا: عبدالله ناصری طاهری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۵ش؛ المنار (مجله شهریه): محمد رشید رضا، مصر، ۱۳۲۷ق؛ موسوعة مكة المكرمة و المدينة المنورة: احمد زکی یمانی، مصر، مؤسسة الفرقان، ۱۴۲۹ق؛ نفع الطیب من غصن الاندلس الرطیب: احمد بن محمد المقرئ التلمسانی، به کوشش احسان عباس، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۸م.

Encyclopedia of Islam.

سید محسن طاهری



الیاس عليه السلام: از پیامبران بنی اسرائیل، گویا از حج گزاران بیت الله در هر سال

الیاس نامی عبری برگرفته از ایلیا است^۱ که در تصرف زبانی یونانیان، حرف سین به آن افزوده شده و به همین شکل در زبان عربی نیز شهرت یافته است.^۲ برخی نام او را الیاسین و ادرا سین نیز گفته‌اند.^۳ الیاس پیامبری در قوم بنی اسرائیل است که کتاب مقدس نام او را

۱. المعرب، ص ۱۳؛ واژه‌های دخیل، ص ۱۲۷، «الیاس»؛ قاموس کتاب مقدس، ص ۱۴۴.
 ۲. قاموس کتاب مقدس، ص ۱۴۴؛ واژه‌های دخیل، ص ۱۲۷؛ دراسات تاریخیه، ج ۳، ص ۲۳۲.
 ۳. المنتظم، ج ۱، ص ۳۸۰؛ البداية و النهایه، ج ۱، ص ۳۹۶.

پس از حزقیل پیامبر و پیش از شاگردش السبع^۱ به پیامبری برانگیخته شد.^۲ در روایتی از امام صادق علیه السلام فراوانی عبادت او مورد توجه قرار گرفته است.^۳ پس از آن که بنی اسرائیل به رهبری یوشع وارد سرزمین شام شدند، او هم‌زمان با پادشاهی اخاب بر مردم بعلبک، منطقه‌ای از شام، مبعوث شد^۴ و به هدایت آنان پرداخت و درباره پرستش بت بعل به آنان هشدار داد.^۵ از این رو، وی شکننده بت بعل دانسته شده است.^۶

برخی بدون توجه به دوران زندگانی وی، ایلیاس را نامی دیگر برای کسانی چون ادریس، خضر، ذوالکفل^۷ یا یحیی بن زکریا دانسته‌اند.^۸ این سخن با ظاهر آیات قرآن مانند ۱۲۳ صافات/۳۷ و ۸۵-۸۶ انعام/۶ و برخی روایت‌ها سازگار نیست.

حج‌گزاری ایلیاس: زندگانی و

حج‌گزاری ایلیاس در شماری از منابع اسلامی آمده است.^۹ بر پایه برخی گزارش‌ها، ایلیاس در زمره کسانی است که از زندگانی جاودانه برخوردارند.^{۱۰} برخی از دیدار وی با پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله سخن گفته‌اند.^{۱۱} بر پایه برخی روایات، ایلیاس و خضر علیهما السلام یک یا دو شخص دانسته شده‌اند^{۱۲} که خضر حفاظت از دریاها و ایلیاس نگهداری از خشکی‌ها را بر عهده دارد.^{۱۳} بر پایه گزارشی، ایلیاس با خضر هر سال به حج می‌روند و پس از انجام کامل مناسک حج، از آب زمزم می‌نوشند.^{۱۴} همچنین در گزارشی، از دیدار سالانه خضر و ایلیاس در عرفات سخن گفته شده است.^{۱۵} شماری از منابع عهد عتیق نیز این نکته را تأیید می‌کنند. ملاکی او را زنده دانسته و در کتاب خود به بازگشت دیگر بار او بشارت داده است.^{۱۶}

پذیرش حج سالانه ایلیاس و دیدار وی با پیامبر صلی الله علیه و آله بر این اساس است که او را زنده

۱. الآثار الباقیه، ص ۳۷۳؛ اعلام النبوه، ص ۵۴؛ تاریخ دمشق، ج ۹، ص ۲۰۶، ۲۰۹.
۲. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۴۶۱.
۳. الکافی، ج ۱، ص ۲۲۷.
۴. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۴۶۱؛ تاریخ دمشق، ج ۹، ص ۲۰۹؛ الکامل، ج ۱، ص ۲۱۲.
۵. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۴۶۱؛ تاریخ دمشق، ج ۹، ص ۲۰۹؛ الکامل، ج ۱، ص ۲۱۲.
۶. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۴۶۴؛ تاریخ دمشق، ج ۹، ص ۲۰۹؛ الکامل، ج ۲، ص ۲۱۲؛ تاریخ جامع ادیان، ص ۵۰۷.
۷. البدء و التاریخ، ج ۳، ص ۹۹؛ تاریخ دمشق، ج ۹، ص ۲۰۷؛ الاصابه، ج ۱، ص ۲۶۱.
۸. نمونه، ج ۱۹، ص ۱۴۴.
۹. اخبار مکه، ج ۳، ص ۳۲۹؛ البدایة و النهایه، ج ۱، ص ۴۸۸؛ الاصابه، ج ۲، ص ۲۶۰.
۱۰. المنتظم، ج ۱، ص ۳۶۱؛ البدایة و النهایه، ج ۱، ص ۳۹۴-۳۹۵؛ نمونه، ج ۱۹، ص ۱۴۴.
۱۱. نک: تفسیر قرطبی، ج ۱۵، ص ۱۱۶.
۱۲. مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۱۰.
۱۳. مجمع البیان، ج ۸، ص ۷۱۳؛ الاتقان، ج ۷، ص ۱۱۱؛ روح المعانی، ج ۱۵، ص ۳۲۵.
۱۴. المنتظم، ج ۱، ص ۳۶۱؛ البدایة و النهایه، ج ۱، ص ۳۹۴.
۱۵. البدایة و النهایه، ج ۱، ص ۳۹۴؛ قصص الانبیاء، ج ۲، ص ۲۴۲-۲۴۳.
۱۶. کتاب مقدس، ملاکی، ۴: ۵-۶.

پذیرفته‌اند و مفسران به گونه‌ای در صدد توجیه گزارش‌های رسیده در این زمینه بوده‌اند که برخی آن‌ها را از اسرائیلیات می‌دانند.^۷ آن چه در عهد عتیق آمده^۸ و قرآن کریم نیز آن را تأیید می‌کند (صافات/۳۷، ۱۲۳-۱۲۹) مبارزه او با بت پرستی به ویژه پرستش بت بعل است که در زمانه وی رایج بوده است.^۹

◀ منابع

الآثار الباقیه: ابوریحان بیرونی (م. ۴۴۰ ق.)، میراث مکتوب، ۴۲۲ ق؛ الاتقان: السیوطی (م. ۹۱۱ ق.)، به کوشش سعید، لبنان، دار الفکر، ۴۱۶ ق؛ اخبار مکه: الفاکهی (م. ۲۷۹ ق.)، به کوشش ابن دهیثم، بیروت، دار خضر، ۱۴۱۴ ق؛ الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ ق.)، به کوشش علی معوض و عادل عبدال موجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق؛ الاصنام (تنکیس الاصنام): هشام بن محمد کلبی (م. ۲۰۴ ق.)، به کوشش احمد زکی، تهران، تابان، ۱۳۴۸ ش؛ اعلام النبوه: الماوردی (م. ۴۵۰ ق.)، به کوشش بغدادی، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۹۸۷ م؛ البدء و التاریخ: المطهر المقدسی (م. ۳۵۵ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۰۳ م؛ البدایة و النهایه: ابن کثیر (م. ۷۷۴ ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق؛ تاریخ ابن خلدون: ابن خلدون (م. ۸۰۸ ق.)، به کوشش

بدانیم؛ اما برخی زنده بودن وی را به نقد کشیده و سند روایات این سخن را ضعیف شمرده‌اند.^۱ این روایت‌ها با آن چه در تاریخ از زندگی الیاس آمده است، سازگاری ندارند. بر پایه گزارش‌های تاریخی، همه فعالیت‌های او در بعلبک بوده است. بنا بر گزارشی، الیاس پس از مبعوث شدن در گام نخست مبارزاتش توانست پادشاه زمان خویش، اخاب، را همراه خود کند و برخی مردم نیز به وی گرویدند. اما سرانجام با تلاش‌های ایزابل، همسر پادشاه، اخاب از حمایت او دست کشید و حتی در صدد کشتن وی برآمد.^۲ الیاس برای حفاظت از جان خویش ۱۰ سال در غاری پنهان^۳ و پس از مرگ پادشاه از مخفیگاه خود بیرون شد.^۴ به گزارش شماری از منابع، وی پس از رحلت در بقاع کلب، سرزمینی میان دمشق و حمص و بعلبک، به خاک سپرده شد.^۵ همه این گزارش‌ها از زندگانی طبیعی او حکایت دارند. گویا گزارش‌های زندگانی او^۶ و نیز دیدار پیامبر گرامی با وی از این اشتباه اثر

۱. الاصابه، ج ۲، ص ۲۵۲.

۲. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۴۶۱؛ تاریخ دمشق، ج ۹، ص ۲۰۹؛ الکامل، ج ۱، ص ۲۱۲؛ تاریخ جامع ادیان، ص ۵۰۶.

۳. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۴۶۲؛ تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۳۳۶؛ البدایة و النهایه، ج ۱، ص ۳۹۳.

۴. البدایة و النهایه، ج ۱، ص ۳۳۷؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۱۲۹-۱۳۰؛ الکامل، ج ۲، ص ۲۱۳.

۵. معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۷۰؛ مراد الاطلاع، ج ۱، ص ۲۱۱.

۶. الآثار الباقیه، ص ۳۷۳؛ مجمل التواریخ و القصص، ص ۴۳۵.

۷. تفسیر قرطبی، ج ۱۵، ص ۱۱۶.

۸. الاصنام، ص ۶۸؛ کتاب مقدس، ملاکی، ۳: ۱۹.

۹. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۴۶۱؛ تاریخ دمشق، ج ۹، ص ۲۰۹؛

الکامل، ج ۱، ص ۲۱۲.

خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ جامع ادیان: جان ناس، ترجمه: حکمت، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۳ش؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ مدینه دمشق: ابن عساکر (م. ۵۷۱ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ تفسیر بیضاوی (انوار التنزیل): البیضاوی (م. ۶۸۵ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق؛ تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن): القرطبی (م. ۶۷۱ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش صدقی جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ الدر المنثور: السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۶۵ق؛ دراسات تاریخیه: محمد بیومی مهران، بیروت، دار النهضة العربیة، ۱۴۰۸ق؛ روح المعانی: الالوسی (م. ۱۲۷۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ سبل الهدی: محمد بن یوسف الصالحی (م. ۹۴۲ق.)، به کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ قاموس کتاب مقدس: مستر هاکس، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷ش؛ قصص الانبیاء: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش مصطفی عبدالواحد، دار الکتب الحدیثه، ۱۳۸۸ق؛ الکافی: کلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ الکامل فی التاریخ: ابن اثیر (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ کتاب مقدس: ویلیام گلن، هنری مرتن، ترجمه: فاضل خان همدانی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰ش؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ مجمل التواریخ و القصص: مهلب بن محمد بن شادی (م. قرن ۶)، به کوشش ملک الشعراء بهار،

تهران، خاور؛ مراصد الاطلاع: صفی الدین عبدالؤمن بغدادی (م. ۷۳۹ق.)، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ المغرب من الکلام الاعجمی: الجوالیقی (م. ۵۴۰ق.)، به کوشش خلیل عمران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق؛ المنتظم: ابن الجوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ نمونه: مکارم شیرازی و دیگران، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ واژه‌های دخیل در قرآن مجید: آرتور جفری، ترجمه: بدره‌ای، توس، ۱۳۷۲ش.

منصور رمضان‌خانی



امارات: کشوری مسلمان در کرانه جنوبی خلیج فارس

امارات متحده عربی در جنوب غربی آسیا و شرق شبه جزیره عربستان قرار دارد. این کشور با کشورهای عمان، قطر و عربستان سعودی همسایه است. امارات متشکل از هفت امیرنشین ابوظبی، دبئی، شارجه، عجمان، ام القوین، رأس الخیمه و فجیره است که به گونه فدرالی اداره می‌شوند و پایتخت آن ابوظبی و زبان رسمی آن عربی است.^۱ (تصویر شماره ۳) مساحت امارات در حدود ۸۳۶۰۰ کیلومتر

۱. جهان اسلام، ج ۱، ص ۲۰۸؛ الموسوعة العربیة، ج ۳، ص ۴۲۳.